

یادداشت روز

از خطای راهبردی آمریکا

تا شکست پروژه به ثبات‌سازی

اغتشاشات ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، اگرچه در نگاه نخست می‌توانست بخشی از یک روند ناآرامی اجتماعی تلقی شود، اما برپرسی دقیق تر ابعاد زمانی، رسانه‌ای و عملیاتی آن نشان می‌دهد که این تحرات در چارچوب یک پروژه طراحی‌شده برای ایجاد بی ثباتی سیاسی و اجتماعی در ایران تعریف‌شده بود. آمریکا و رژیم صهیونیستی با اتکا به بر آوردهای نادرست از جامعه ایران، تصور می کردند که می‌توانند با مدبریت و هدایت این پروژه، به نتیجه مطلوب خود برسند. اما واقعیت‌های میدانی و پیامدهای پس از این وقایع نشان داد که این محاسبات نه‌تنها دقیق نبوده، بلکه با شکستی چندلایه و به‌خیزنه برای طراحان آن همراه شده است.

۱- نفکستین و اساسی‌ترین اشتباه آمریکا و رژیم صهیونیستی، برداشت نادرست از ساخت اجتماعی و سیاسی جامعه ایران است. تجربه بیش از چهار و نیم دهه پس از انقلاب اسلامی نشان داده است که جامعه ایران، اگرچه دارای مطالایات اقتصادی و اجتماعی زیادی است، اما همین مردم میان «اعتراض مدنی» و «اغتشاش سازمان یافته با منشأ خارجی» تمایز قائل می‌شوند. در اغتشاشات ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، شواهد میدانی از جمله نوع شعارها، الگوی تخریب و تمرکز بر نمادهای حاکمیتی نشان داد که هدف اصلی، تبدیل نارضایتی‌های محدود به بحران امنیتی فراگیر بوده است. این همان مدلی است که بیش‌تر از آن در سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱ نیز آموده‌شده بود و هر بار با واکنش هوشمندانه جامعه ایران مواجه شد. چرا که اشتباه بزرگ آمریکا و رژیم صهیونیستی، برداشت نادرست از ساخت اجتماعی و سیاسی ایران بود. این بار هم آمریکا و متحدانش تصور کردند شکاف به مرحله مهم رسیده است؛ در حالی که واقعیت اجتماعی ایران پیچیده‌تر و مقاوم‌تر از این برآورد‌های ساده‌انگارانه است.

۲- یکی از نشانه‌های غیرقابل انکار در اغتشاشات اخیر، هماهنگی بی‌سابقه رسانه‌های فارسی‌زبان وابسته به غرب و رژیم صهیونیستی بود. شبکه‌های مانند اینترنشنال، بی‌بی‌سی فارسی و صدای آمریکا، پیش از شکل‌گیری میدانی اغتشاشات، با ادبیات تحریک‌آمیز و بزرگ‌گویی‌ها دهفند، بستک روانی آن را فراهم کردند تا بتوانند با یک هماهنگی رسانه‌ای و حکمرانی غلط، دست به توطئه‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی و آمریکا به ظن غلط خود و بستر را برای تغییر و براندازی فراهم کنند. نکته قابل توجه این‌بود که این رسانه‌ها با شگرد جنگ روانی، پهن‌بنازل برجسته‌سازی اعتراضات و تبدیل آن به اغتشاش بودند و در طراحی‌های خود، سه اقدام را انجام دادند:

الف) حجم پوشش رسانه‌ای این شبکه‌ها چندین برابر ابعاد واقعی ناآرامی‌ها بود تا عوامل داخلی اغتشاش‌سگر، با بزرگنمایی صحنه‌های اغتشاش و آشوب، برای اقدامات تندتر و جنایت‌های بیشتر آماده‌باشند و مردم نیز مغهور رعب و وحشت عوامل میدانی اغتشاشگران شده و کار برنامه را تمام شده تلقی کنند.

ب) تأمیر و تعللی تا تأثیرشده شد در این رسانه‌ها بارها بازنشر شد تا آنجا که درگیری‌ها و شورش‌های کشورهای دیگر را با هوش مصنوعی و ابزارهای نوین ارتباطی به عنوان دروغ‌های خیابان‌های تهران و اغتشاش‌های ایران دستکاری کرده و نشر می‌دادند.

ج) رسانه‌های دشمن همه تلاش خود را انجام دادند تا در وهله اول یک روایت واحد و مغایب را بدون تحلیل انتقادی بخش کنند. این کار را می‌کردند تا مخاطبان در مسیر تردید انبوهی از اطلاعات نادرست، در تفسیر تمیز و تشخیص از دست بدهد و پس از موفق شدن در تسخیر ذهن مخاطب، تحلیلی متناوب با همین اطلاعات نادرست و غلط ارائه دهند تا مخاطب مغهور این ناهنجاری غلط تحلیلی آنها شود. این الگو بیش‌تر در نیز در پروژه‌های بی‌ثبات‌سازی کشورهای دیگر از زمانی که پروژه انقلاب‌های رنگی در دهه ۹۰ میلادی در دستور کار قرار گرفته مشاهده شده بود و به‌عنوان یکی از ابزارهای جنگ شناختی (Cognitive Warfare) به کار می‌رفت. این رسانه‌ها دست شکست این پروژه در دی ۱۴۰۴ نشان داد که جامعه ایران نسبت به این عملیات رسانه‌ای، آگاهی یافته و مصونیت بیشتری پیدا کرده است.

۳- یکی از نشانه‌های صریح طراحان اغتشاشات، تبدیل تحرات محدود به موج سراسری در همه کشور بود، اما بر خلاف انتظارات آمریکا و رژیم صهیونیستی، این اتفاق رخ نداد. بر اساس گزارش‌های رسمی و مشاهدات میدانی، اغتشاشات در شهر به شهر به گزشت‌ه محدود خاصه می‌شد و شعارهای داده شده در حمایت از عنصر مفلوک پهلوی بازتاب پیدا نکرد و با وجود آنکه افکار محنه و کف خیابانی دشمن تلاش می‌کردند همین اندک شعاردهندگان را با خود به خیابان‌ها بکشند تا در کشته‌سازی یگام، بگام بعدی اغتشاش و تسخیر اماکن حساس را در اختیار بگیرند، موفق نشدند، چراکه بنده اصلی جامعه، که همراهی با آنها خوددار بودند و مکتب کاروا و مراکز عمومی به‌سرعت به روان عادی خود بازگشت و دعاشمن در ایجاد موج فراگیر اجتماعی ناکام ماند. این مسئله نشان داد که سرمایه اجتماعی نظام، با وجود فشارهای اقتصادی، تنگنای معیشت مردم و تحریم‌ها، مقاومت فعال و تعیین‌کننده است. محاسبه نادرست دشمن بر این پایه استوار بود که مشکلات معیشتی لزوماً به رفتار رانداخته منجر می‌شود؛ در حالی که تجربیات گذشته و حوادث اخیر، خلاف این فرض را ثابت کرده است.

۴- یکی از نشانه‌های آشکار در مواضع رسمی مقامات آمریکایی و اروپایی پس از اغتشاشات بود، که یکسویه‌اعای حایت از مردم ایران و «غواپنده اغتشاشگران و آدمکشان خراب» در مطرح می‌کرد و از سوی دیگر، به صراحت از قاتلانی که شهروندان عادی و پرستاری که در بیمارستان از حال خدمت و با کودک ۳ ساله‌ای در خیابان همراه والدین به‌هت‌زند به به جنایت اهتگاه می‌کند را با گلوله به قتل می‌رسانند و پلیس را زنده زنده آتش می‌زنند و مجامع جهانی را به سخره می‌گیرند، حمایت می‌کنند. ۵- نکته مهم دیگر این‌که شکست پروژه اغتشاش در ایران، صرفاً یک شکست داخلی برای آمریکا و رژیم صهیونیستی نبود، بلکه پیامدهای منطقه‌ای مهمی نیز به همراه دارد که در آینده شش‌هشت آن خواهیم دید. این شکست، ادعای توان آمریکا در «مهندسی تحولات داخلی ایران» را زیر سؤال برد و اعتبارش نشان داد که فشار ترکیبی (تحریم، اغتشاش، جنگ رسانه‌ای) با آمریکا به نرسید رسیده است. این شکست، در حالی که تروست‌های حاکمسی بر دیگر توسط سرویس‌های جاسوسی و عوامل مزدور درون حاکمیت خودخوانده جولانی در حال سازماندهی شدن هستند تا بار دیگر منطقه را از آتش بگیرند، این پیام را به محور مقاومت داد که در شرایطی که دشمن برای اجیر کردن تروریست‌های اجاره‌ای خسود میلیارد‌ه‌ار دلار هزینه می‌کند، ملت‌های منطقه نباید به سرنوشت خود و مواوجه با چنین بدبده‌های شومی اعتماد بکنند. از این اتفاق افتاد، بی تفاوت نباشند. این روزها با آمدن دولت ضد آمریکایی «فوری مالکی» در عراق و عراقیان آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها حضور وی در ساختار قدرت، این آ‌هم پس از شکست پروژه اغتشاش در ایران و حضور مقتدرانه حشدالشعبی در مرزهای شمالی عراق و ایجاد سد در مقابل تروریست‌های سازماندهی شده، دانش را باید در راستای ناکامی پیاده‌های منطقه‌ای شکست پروژه اغتشاش دانست. در واقع، این هاکم بخشی از یک روند بزرگ‌تر است که از افول قدرت مداخله‌گر آمریکا در غرب آسیا حکایت دارد.

۶- امروز نه تنها اندیشمندان کشورهای همسو، بلکه موسسات و اندیشمندان غربی هم مertaای می‌کنند آمریکا در مواجهه با ایران شکست خورده است. در رابط با همین اغتشاشاتی که پشت سر گذاشتیم مؤسسه واشنگتن در بیان دلایل ناکامی اغتشاشات می‌نویسد: «فبود رهبری مستقیم – با وجود اینکه مکرر از پهلوی به‌عنوان رهبر اپوزیسیون نام می‌بردند – با پیداری هسته سخت قدرت و وفاداری و انسجام نهادهای عدم همراهی مردم با اغتشاشگران، تغییر معکوس فشار خارجی – تا آنجا که تحریم‌ها به‌تهدیه‌ها برای تقویت حاکمیت ایران سبب انسجام داخلی ملت ایران شد–، توهم فروپاشی سریع جمهوری اسلامی و…» باعث شکست پروژه آشوب و هرگونه تغییر در ایران گردیده است. «با «فرانسس فوکویاما» متخصص اقتصاد سیاسی و صاحب اثر معروف «پایان تاریخ و آخرین انسان» که هر به‌هم ریختگی سیاسی – اقتصادی در کشورها را در راستای تحقق نظریه پایان تاریخ خود می‌داند، درباره شکست پروژه فروپاشی ایران اصرار می‌دهد. پروژه مشترک آمریکا و اسرائیل برای فروپاشی ایران از مسیر جنگ ارزی و فشار اقتصادی با شکست مواجه شده است و آمریکا به دلیل وجود تنگه هرمز، انزواي منطقه‌ای، ضعف در جنگ زمینی و بدهی ۳۸ تیلیسون دلاری نمی‌تواند حمله مستقیم به ایران داشته باشد و هرگونه تلاش در این زمینه نتواند حمله خود را پوشد.

بقیه در صفحه ۷

عواقب در اختیار گذاشتن حریم هوایی و زمینی به متجاوزان علیه ایران

هر گونه همکاری با دشمنان ایران

هزینه سنگین و غیر قابل جبران خواهد داشت

هر گونه همکاری کشورهای عربی

منطقه در تجاوز احتمالی علیه نامعیت

غیر قابل جبرانی برای آن‌ها خواهد داشت که در تاریخ چند دهه گذشته

منطقه، قطعا بی‌سابقه خواهد بود.

در هفته‌های اخیر، شاهد نمود تنش‌ها میان ایران و ایالات متحده آمریکا به بیشترین میزان خود از زمان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه ماه مارژن بودایم. افزایش استقرار نیروهای نظامی آمریکا ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (ستسکام) ارتش نظامی واشنگتن به تل آویو و انتشار اسناد راهبردی در یک پیکارچگی دفاعی رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی در برابر ایران تأکید می‌کند. همگی نشان از احتمال وقوع مجدد تنش میان ایران و رژیم صهیونیستی و آمریکا دارد.

در این میان، جدیدترین و صریح‌ترین تحول هشدار مستقیم ایران به کشورهای عربی منطقه است مبنی بر اینکه اگر خاک یا حریم هوایی خود را در اختیار حملات احتمالی آمریکا و اسرائیل قرار دهند، هدف اقدامات نظامی گروه‌های اسلامی قرار خواهند گرفت. این اظهار، هشدار و روشی بی‌سابقه ترسیم می‌کند و به وضوح اعلام می‌دارد که دوره مصونیت کشورهای عربی از تبعات درگیری‌های منطقه‌ای به پایان رسیده است.

بر اساس گزارش‌های خبری، یک مقام ارشد ایرانی از طریق مجاری دیپلماتیک به همسایگان منطقه‌ای از جمله عربستان سعودی، امارات متحده عربی و ترکیه پیامی روشن ارسال کرده است. محتوای این پیام قاطع هرگونه تهاجم دیپلماتیک است، هر کشوری که زمین یا آسمان خود را برای یک اقدام تجاوزکارانه علیه ایران در اختیار ایالات متحده قرار دهد، از نظر نیروهای مسلح ایران یک هدف مشروع» تلقی خواهد شد.

این مقام ایرانی تأکید کرده است: «پاسخ ما تنها به منبع حمله محدود نخواهد شد، بلکه هر میزان منطقه‌ای را که چنین مداخلاتی را تسهیل کند، به چنین حمله‌ای درگیر خواهد شد. این موضع، استراتژی بازدارندگی ایران را وارد بازی جدید کرده است. ایران نه تنها تهدید می‌کند که در صورت حمله، به صورت متقابل عمل خواهد کرد، بلکه به صراحت بیانگهاری می‌کند مستقر در خاک کشورهای همسایه و حتی مراکز مهم و حیاتی کشورهای عربی را در فهرست اهداف خود قرار داده و اعراف را مسئول عواقب هرگونه همکاری با آمریکا و رژیم صهیونیستی

اخبار کشور

عواقب در اختیار گذاشتن حریم هوایی و زمینی به متجاوزان علیه ایران

هر گونه همکاری با دشمنان ایران

هزینه سنگین و غیر قابل جبران خواهد داشت

هر گونه همکاری کشورهای عربی محدود ۸۰۰ هزار ایرانی بوده و به عنوان قطب تجاری دوجانبه عمل می‌کند. این پیوندهای اقتصادی، هزینه‌های درگیری را برای طرفین عربی به شدت افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، نگرانی از غیرقابل پیش‌بینی بودن متحد آمریکایی نیز وجود دارد. اقدام رژیم صهیونیستی در حمله به حوضر نظامی اسرائیل در منطقه به بالاترین سطح خود در هشت ماه گذشته رسید. این تحر تانک‌های مجهزبان با سفر فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (ستسکام) به تل آویسو انجام می‌شود و نهادهای ارتش نظامی واشنگتن به تل آویو و انتشار اسناد راهبردی برای یک حمله نظامی با حمله‌ای در مقابل یک تهدید معتبر برای اعمال فشار بیشتر بر تهران تفسیر می‌کنند.

از سوی دیگر، استراتژی اعلام شده آمریکا در سند راهبرد دفاعی ۲۰۲۶، «پیکارچسازي دفاعی اسرائیل و شرکای منطقه‌ای» از طریق سازکارهایی مانند توافق ابراهیم برای مقابله با ایران تأکید می‌ورزد. پتانژون در این سند، با ادعای تضعیف ایران و نیروهای محور مقاومت پس از جنگ ۱۲ روزه، فرصت را برای تقویت بیشتر همکاری‌های دفاعی با متحدان منطقه‌ای مناسب می‌داند.

این موضع گیری‌ها و تحرات، از نگاه تهران دشمنانه آشکار و فراینده یک عملی می‌شود که پاسخش قطعه‌نما را می‌تواند تحلیگران این هشدار می‌دهند که کسه به دلیل ماجراجویی‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی و آمادگی ایران برای دادن پاسخ گسترده و قاطع، منطقه در وضعیت بی‌ثبات قرار دارد. «فرار دارد که خطر «سومحالیسه» و تشدید غیرقابل کنترل بحران در آن بالاتر.

توسعه کشورهای عربی عری منطقه، در رابطه با حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، به شدت نگران تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم غیرقابل کنترل این جنگ بر منطقه هستند. طبق این گزارش، این کشورها مداخله نظامی آمریکا و اسرائیل در ایران را یک «فشار رخنه» می‌دانند که می‌تواند برای آن‌ها در پی داشته باشد. به گزارش شمس، هشدار اخیر تهران، این پیام را با وضوح کامل بیان کرده که هیچ کشوری در منطقه نمی‌تواند با حفظ امنیت خود، تنش جنگ علیه همسایه را بارفروزد. همان‌طور که در بالا ذکر شد، دواوری که کشورهای عربی بتوانند با حفظ قاطعه، از مزایای اتحاد با غرب و رژیم صهیونیستی بهره‌مند شوند و در قیامات صهیونیستی – آمریکایی به دلیل منافع عالی ایران مستقیم نباشند، بدون آنکه هزینه درگیری مستقیم با ایران را بپردازند، به طور رسمی به پایان رسیده است. انتخاب آنن میان همکاری با یک برنامه تهاجمی خارجی یا پایبندی به ثبات منطقه‌ای، سرنوشت ساز خواهد بود.

ولی اقدامات کوچک بایک می‌ماند. کسانی که وعده‌های آمریکا را می‌شنوند، باید نسبت به آنچه در عمل انجام می‌شود، عمیقاً دایده تردید بکنند.

عقدہ کشایی نیابتی

«...! روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی – با پرسه در فضای رسانه‌ای، بر ضرورت تکلیف‌گیری یک «روایت رسمی» که بازتاب‌دهنده دشمنی واقعی جامعه باشد، تأکید کرد. او عملکرد ایران‌اینترنشنال را اتاق تبلیغات جنگ خوانده و صداسویما را نیز رسانه‌ای ایدئولوژیک دانست که هر دو در یک قطب‌بندی نادرست گرفتارند».

تصور می‌کنید این سباز دیه‌های تحلیلی، متعلق به چه کسی و کدام رسانه است؟! متن بالا در خبرگزاری اسپنا منتشر شد، خبرگزاری که با حمایت مالی دولت زیر نظر «کدام دانشگاه» فعالیت می‌کند.

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی – «روانزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی» نام برده، آقای ماشادله شمس‌الواعظین است که اسپنا نه رویش شده بگوید «عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت» است و نه رویش شده یادآوری که وی، سرسردبر برخی نویسندگان و رادیکال و توفیق شد در دوره موسوم به ام‌ام‌ام که در تندروی و به جایی رساند که بازداشت شد و مهاجرانی وزیر دولت خاتمی(حامی این نشریات) ناجار شد بگوید زندان، قلم‌اره مست‌های بی‌حساب آقای شمس‌الواعظین است(!!) اسپنا از قلم‌شمن‌الواعظین نوشت: ایران‌اینترنشنال اتاق تبلیغات جنگ است و وبژگی‌های یک رسانه حرفه‌ای را ندارد، یک کشور، ایران‌اینترنشنال را اجازه کرده که با ایران جنگ دارد و می‌خواهد این رسانه کارهای تبلیغاتی و پروپاگاندای را به اجرا بگذارد که به نفع احوست اجرا نمی‌کند.

به نوشته اسپنا، شمس‌الواعظین در مقابل به صداسویما پرداخت و گفت: از سبویی دیگر رسانه‌ای به اسم صداسویما را داریم که یک رسانه ایدئولوژیک است، طرف خودش را نظام جمهوری اسلامی می‌داند و باید در جهت حفظ حکومت حرکت و تلاش کند. رسانه نه مسئول مسئولیت‌های حکومت است که ایران‌اینترنشنال این کار را می‌کند و نه مسئول حفظ یک حکومت است که صداسویما این کار را می‌کند. رسانه باید از دل مردم بیرون بیاید، حرف‌های مردم را بزند و اعتماد و بحث کند. خود نظام حفظ می‌شود وقتی این اتفاق بیفتد. این‌ها نیازی نیست صداسویما برای حفظ نظام کار ایدئولوژیک کند. عوامل حفظ یک تبلیغات نیست بلکه عملکرد است، رفتار و سلوک است و نظام‌ها با تبلیغات رسانه‌ها نمی‌تواند افتند.

البته رسانه‌ها می‌توانند در جهت تقویت ثبات سیاسی یک کشور عمل کنند منتهم به صورت کلامی‌غیرمستقیم‌از طریق تذکار آشوب و فسادپساز و روایت‌سازی و بزرده تأثیرگذارند، منتهم نه به صورت مستقیم. در حال حاضر ایران‌اینترنشنال به صورت شخواهن سرنگونی نظام جمهوری اسلامی است و این طرف هم صداسویما شواهن سرنگونی مخالفان است، این اره به جایی نخواهد برد. صداسویما‌الواعظین گفت: «برای اینکه بین رسانه‌های موجود موازنه ایجاد بیند و منابع دولتی‌های شومی، باید یک روایت سومی می‌داشتیم که محل خروج افکار عمومی داخل و خارج، سفارت‌خاها و دولت‌های خارجی و بیگانه باشد که لحظه به لحظه گزارش می‌دهند، فلان رسانه قابل اعتماد است. ما آنلا فاقد آن رسانه هستیم. رسانه‌ای که امان‌واقیی بدهد، گزارش میدانی بدهد و با منافع ملی کار داشته باشد و نه منافع گروهی خاص».

به نظر می‌رسد عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت (سرمدیبر نشریات متخلف و توفیق شدند، رویش نشده که می‌جایا علیه صداسویما کشورمان دشمنان و مخالف و این کار (به نیابت از رسانه‌های معاند) را در پوشش مقایسه و همسان‌نمایی با رسانه‌های مستقیم اینترنشنال انجام داده که دست بر قضا، سرسردبر امروز، آن معاون وزیر ارشاد در دولت خاتمی و سرمدیبر روزنامه زنجیرهای آفتاب امروز بوده است.

اینکه یک مقام دولتی، خط مقدم دفاع و تهاجم رسانه‌ای کشور را با رسانه بدنام صداسویما‌ها مقایسه کند (رسانه‌ای که توسط همکار و یک طرفی سابق وی اداره می‌شود)، معنایی جز رذالت ندارد و متلن این می‌ماند که یک ایرانی مثل امثال منافقین در موضوع جنگ تحمیلی صدام علیه ایران، هر دو طرف ظالم و مظلوم را به یک‌پوش برانند و به گونه‌ای ادای بی‌طرفی دربریاورد که در واقع، محکوم کردن طرف ایرانی است.

با این مثال که کسی در جنگ میان جبهه امیر مؤمنان (ع) و معاویه، و جنگ امام حسین(ع) با یزید و امین زید، و انمودد کند که طرف سوم است و هر دو طرف را به یک اندازه، نقد و محکوم کند، چه فایده‌ای دارد؟ این محکوم‌ها و اینسان و عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت باید توضیح بدهند که با این قلاب‌بندی تحریف‌آمیز، خود شما را بارها و روزها معترم محسوب می‌شوند یا نامعتر؟! این نکته هم گفتنی است که تسخیم کار محافل معارض برای زدن مغفرب و نظام و نهادهای وابسته، شگرد رو رفته است چنان که سازمان‌های منافیین و نهضت آزادی و دیگر گروه‌ها،کنام می‌دانند و از نقد فخرمالیته نسبت به یکدیگر هم انجام می‌دهند تا در این پوشش‌یابوند، از چندجه، تخطئه و تحقیر و شهادت‌فراشی کنند.

کفت و شنود

پا پهن‌ها...!

گفت: ترامپ در اجلاس داووس، سسران کشورهای اروپایی شرکت‌کننده در این اجلاس را به باد توهین و تحقیر گرفت.
گفتم: دردهای سر گردنه به جان هم افتاده‌اند!
گفت: ترامپ به سسران کشورهای اروپایی گفته است «اگر آمریکا نبود شما باید المانی یا ژاپنی صحبت می‌کردید!»
گفتم: خود ترامپ هم مهاجر آلمانی است.
گفت: به آنها گفته است «کشورها شما بدون آمریکا، کشور نیستند. اروپا حیات خود را مدیون آمریکااست» و گوترش، دبیرکل سازمان ملل گفته است «آمریکا سازمان ملل را بی‌خاصیت کرده است»

گفتم: اروپایی‌ها در تمامی جنایت‌های آمریکا همراه و سهیم بوده‌اند و حالا سر کرده جنایتکاران به جان همکاران قبلی خود افتاده است.
گفت: چشمشان کورا چرا زلفشان را به دم آمریکا گره زده‌اند؟!
گفتم: شترن با گرگ رفیق شده و با هم زندگی می‌کردند. یک روز وقتی شتر به صحرا رفته بود، گرگ از فرصت استفاده کرد و بچه شتر را را خورد. شتر که از صحرار برگشت، گرگ با چشم گریان جلوی خانه ایستاده بود. شتر پرسید: چی شده؟
گفت: بلنگ حمله کرده و بچه‌ها را خورده است! شتر با نگرانی پرسید: بچه‌های مرا با بچه‌های تو را؟
گرگ گفت: من تو ندارم، من تا از آن پایهن‌ها را خورده است!

وزیر اطلاعات:

وحدت ملی ایران

در برابر هر تهدیدی مقاوم است

وزیر اطلاعات در سخنانی بر لزوم حفظ یکپارچگی ایران و ناگامی دشمنان در تفرقه‌پاشی میان مردم تأکید کرد و اظهار داشت، دشمنان این سرزمین، سال‌ها و دهه‌ها برای تضعیف ایران متحد تلاش کرده‌اند، اما ناکام مانده‌اند.

جحت‌الاسلام سید اسماعیل خطیب، وزیر امور و آینده برای رسیدن به واقعیت و حقیقت‌اند و نشان می‌دهند فریبندگی دنیا تنها در زور و زرق و برق مادی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در قالب شعارهای بظاهر انسان‌دوستانه، زنان‌هایی فکری و بی‌شر ساخته می‌شود که او را از فطرت و هویت ذاتی‌اش دور می‌کند. وی با اشاره به اهمیت ثبت و انتشار تجربه‌های رسته، به‌ویژه از سوی بانوان، گفت: جامعه‌ای بودا است که اجازه دهد زنان با نام و هویت خود، تجربه‌ها و خاطراتشان را برای آیندگان روایت کنند. این روایت‌ها بخشی جایشان‌یابند از حافله تاریخی ملت‌اند. وزیر اطلاعات همچنین با توجه به حضور بزرگ مردم در ۲۲ دی‌ماه یادآور شد، تاریخ جدید نشان داد که ایران بارها شاهد ظلم و جنایت گروه‌های تروریستی و تلاش مستمر دشمنان برای بهم زدن وحدت ملی بوده است. دشمنان این سرزمین، سال‌ها و دهه‌ها برای تضعیف ایران متحد تلاش کرده‌اند، اما ناکام مانده‌اند.

خطیب افزود، اگر کردستان جزئی جدایی‌ناپذیر از ایران باقی نماند، است، این مهم بدست خود مردم کرد و پایبندی آنان به هویت ایرانی محقق شده‌ است. دشمنان ایران با بخوبی می‌دانند که ملت ایران، علی‌رغم همه فشارها و خون‌ریزی‌ها، سرخه‌شده، هرگز اجازه نخواهد داد یکپارچگی این سرزمین خدشه‌دار شود.

ولی اقدامات کوچک بایک می‌ماند. کسانی که وعده‌های آمریکا را می‌شنوند، باید نسبت به آنچه در عمل انجام می‌شود، عمیقاً دایده تردید بکنند.

عقدہ کشایی نیابتی

«...! روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی – با پرسه در فضای رسانه‌ای، بر ضرورت تکلیف‌گیری یک «روایت رسمی» که بازتاب‌دهنده دشمنی واقعی جامعه باشد، تأکید کرد. او عملکرد ایران‌اینترنشنال را اتاق تبلیغات جنگ خوانده و صداسویما را نیز رسانه‌ای ایدئولوژیک دانست که هر دو در یک قطب‌بندی نادرست گرفتارند».

تصور می‌کنید این سباز دیه‌های تحلیلی، متعلق به چه کسی و کدام رسانه است؟! متن بالا در خبرگزاری اسپنا منتشر شد، خبرگزاری که با حمایت مالی دولت زیر نظر «کدام دانشگاه» فعالیت می‌کند.

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی – «روانزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی» نام برده، آقای ماشادله شمس‌الواعظین است که اسپنا نه رویش شده بگوید «عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت» است و نه رویش شده یادآوری که وی، سرسردبر برخی نویسندگان و رادیکال و توفیق شد در دوره موسوم به ام‌ام‌ام که در تندروی و به جایی رساند که بازداشت شد و مهاجرانی وزیر دولت خاتمی(حامی این نشریات) ناجار شد بگوید زندان، قلم‌اره مست‌های بی‌حساب آقای شمس‌الواعظین است(!!) اسپنا از قلم‌شمن‌الواعظین نوشت: ایران‌اینترنشنال اتاق تبلیغات جنگ است و وبژگی‌های یک رسانه حرفه‌ای را ندارد، یک کشور، ایران‌اینترنشنال را اجازه کرده که با ایران جنگ دارد و می‌خواهد این رسانه کارهای تبلیغاتی و پروپاگاندای را به اجرا بگذارد که به نفع احوست اجرا نمی‌کند.

به نوشته اسپنا، شمس‌الواعظین در مقابل به صداسویما پرداخت و گفت: از سبویی دیگر رسانه‌ای به اسم صداسویما را داریم که یک رسانه ایدئولوژیک است، طرف خودش را نظام جمهوری اسلامی می‌داند و باید در جهت حفظ حکومت حرکت و تلاش کند. رسانه نه مسئول مسئولیت‌های حکومت است که ایران‌اینترنشنال این کار را می‌کند و نه مسئول حفظ یک حکومت است که صداسویما این کار را می‌کند. رسانه باید از دل مردم بیرون بیاید، حرف‌های مردم را بزند و اعتماد و بحث کند. خود نظام حفظ می‌شود وقتی این اتفاق بیفتد. این‌ها نیازی نیست صداسویما برای حفظ نظام کار ایدئولوژیک کند. عوامل حفظ یک تبلیغات نیست بلکه عملکرد است، رفتار و سلوک است و نظام‌ها با تبلیغات رسانه‌ها نمی‌تواند افتند.

البته رسانه‌ها می‌توانند در جهت تقویت ثبات سیاسی یک کشور عمل کنند منتهم به صورت کلامی‌غیرمستقیم‌از طریق تذکار آشوب و فسادپساز و روایت‌سازی و بزرده تأثیرگذارند، منتهم نه به صورت مستقیم. در حال حاضر ایران‌اینترنشنال به صورت شخواهن سرنگونی نظام جمهوری اسلامی است و این طرف هم صداسویما شواهن سرنگونی مخالفان است، این اره به جایی نخواهد برد.

صداسویما‌الواعظین گفت: «برای اینکه بین رسانه‌های موجود موازنه ایجاد بیند و منابع دولتی‌های شومی، باید یک روایت سومی می‌داشتیم که محل خروج افکار عمومی داخل و خارج، سفارت‌خاها و دولت‌های خارجی و بیگانه باشد که لحظه به لحظه گزارش می‌دهند، فلان رسانه قابل اعتماد است. ما آنلا فاقد آن رسانه هستیم. رسانه‌ای که امان‌واقیی بدهد، گزارش میدانی بدهد و با منافع ملی کار داشته باشد و نه منافع گروهی خاص».

به نظر می‌رسد عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت (سرمدیبر نشریات متخلف و توفیق شدند، رویش نشده که می‌جایا علیه صداسویما کشورمان دشمنان و مخالف و این کار (به نیابت از رسانه‌های معاند) را در پوشش مقایسه و همسان‌نمایی با رسانه‌های مستقیم اینترنشنال انجام داده که دست بر قضا، سرسردبر امروز، آن معاون وزیر ارشاد در دولت خاتمی و سرمدیبر روزنامه زنجیرهای آفتاب امروز بوده است.

اینکه یک مقام دولتی، خط مقدم دفاع و تهاجم رسانه‌ای کشور را با رسانه بدنام صداسویما‌ها مقایسه کند (رسانه‌ای که توسط همکار و یک طرفی سابق وی اداره می‌شود)، معنایی جز رذالت ندارد و متلن این می‌ماند که یک ایرانی مثل امثال منافقین در موضوع جنگ تحمیلی صدام علیه ایران، هر دو طرف ظالم و مظلوم را به یک‌پوش برانند و به گونه‌ای ادای بی‌طرفی دربریاورد که در واقع، محکوم کردن طرف ایرانی است.

با این مثال که کسی در جنگ میان جبهه امیر مؤمنان (ع) و معاویه، و جنگ امام حسین(ع) با یزید و امین زید، و انمودد کند که طرف سوم است و هر دو طرف را به یک اندازه، نقد و محکوم کند، چه فایده‌ای دارد؟ این محکوم‌ها و اینسان و عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت باید توضیح بدهند که با این قلاب‌بندی تحریف‌آمیز، خود شما را بارها و روزها معترم محسوب می‌شوند یا نامعتر؟! این نکته هم گفتنی است که تسخیم کار محافل معارض برای زدن مغفرب و نظام و نهادهای وابسته، شگرد رو رفته است چنان که سازمان‌های منافیین و نهضت آزادی و دیگر گروه‌ها،کنام می‌دانند و از نقد فخرمالیته نسبت به یکدیگر هم انجام می‌دهند تا در این پوشش‌یابوند، از چندجه، تخطئه و تحقیر و شهادت‌فراشی کنند.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

«برای بنده قابل توجه بود که مفهوم نام‌آشنای «جنگ نرم» که سالیان متمادی مورد توجه و تأکید رهبر معظم انقلاب قرار داشت بار دیگر در بیانات ایشان در دیدار با اقاشر مردم در روز میلاد امیرالمؤمنین(ع) و سالگرد شهید سلیمانی به دلیل اهمیت فوق‌العاده مسئله برسته شد و مورد تأکید قرار گرفت.

« ملتی که در میدان‌های سخت نشان داده «محکم می‌ایستد»، امروز هدف عملیات روانی و ادراکی قرار گرفته است. دشمن، وقتی از مقابله مستقیم مایوس می‌شود، می‌کوشد انگیزه‌ها را تضعیف و امید را فرسوده کند. یکی از ابزارهای اصلی این راهبرد، مسکوت گذاشتن دستاوردها و انکار توانایی‌های ملت ایران است.

« برای این کار، چارچوب هماهنگی شیعیان یعنی بزرگ‌ترین فرانسویون پارلمان عراق تصمیم گرفتند تا یک فرد مقتدر و با تجربه یعنی نوری مالکی را در جایگاه نخست‌وزیری این کشور بنشانند. نشان از تغییر راهبرد کلی برای برخورد با رویدادها و تحولات آینده دارد. عراق سال ۲۰۲۶ با عراقی‌های ۳۰۶ و ۲۰۱۶ بسیار متفاوت است.

« درخواست آنت‌رپس از سوی دو قدرت اتمی یعنی آمریکا و رژیم صهیونی در میانه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه که خودشان شروع‌کننده آن بودند نشان‌دهنده شکست آنان است. اگر جنگ ۱۲ روزه چند روز دیگر ادامه پیدا می‌کرد، خسارت‌های عظیم و جبران‌ناپذیری برای رژیم صهیونی رقم می‌خورد. و آمریکا نیز بیشتر تحقیر می‌شد.

شمس‌الدین «در دیدن نیکولاس مادورو رئیس‌جمهور قانونی ونزوئلا توسط آمریکا تصویر ایالات متحده در آمریکای لاتین را به‌یскلی بزرگ درگزن خواهد کرد. این مداخله نظامی بی‌تردید باعث تقویت گرایش‌های «عدم تعهد» در منطقه خواهد شد. اکنون این ایالات متحده است که به‌دلیل نقض حقوق بین‌الملل در کانون توجه و زیر دربین قرار گرفته است.

رضوانی « عملکرد دست‌گاه‌های امنیتی و اطلاعاتی را فقط نباید در کف خیابان دید، اگر محلات پرجمع سابییر به درگاه‌های خدماتی نظیر بانک‌ها، بمب‌بازن‌ها و فرودگاه‌های کشور خنثی نمی‌شد و در کمتر از چند ساعت تمامی آن‌ها در محاصره قرار می‌گرفتند، این ایالات متحده است که به‌دلیل نقض حقوق بین‌الملل در کانون توجه و زیر دربین قرار گرفته است.

رضوانی « عملکرد دست‌گاه‌های امنیتی و اطلاعاتی را فقط نباید در کف خیابان دید، اگر محلات پرجمع سابییر به درگاه‌های خدماتی نظیر بانک‌ها، بمب‌بازن‌ها و فرودگاه‌های کشور خنثی نمی‌شد و در کمتر از چند ساعت تمامی آن‌ها در محاصره قرار می‌گرفتند، این ایالات متحده است که به‌دلیل نقض حقوق بین‌الملل در کانون توجه و زیر دربین قرار گرفته است.

رضوانی « عملکرد دست‌گاه‌های امنیتی و اطلاعاتی را فقط نباید در کف خیابان دید، اگر محلات پرجمع سابییر به درگاه‌های خدماتی نظیر بانک‌ها، بمب‌بازن‌ها و فرودگاه‌های کشور خنثی نمی‌شد و در کمتر از چند ساعت تمامی آن‌ها در محاصره قرار می‌گرفتند، این ایالات متحده است که به‌دلیل نقض حقوق بین‌الملل در کانون توجه و زیر دربین قرار گرفته است.

رضوانی « عملکرد دست‌گاه‌های امنیتی و اطلاعاتی را فقط نباید در کف خیابان دید، اگر محلات پرجمع سابییر به درگاه‌های خدماتی نظیر بانک‌ها، بمب‌بازن‌ها و فرودگاه‌های کشور خنثی نمی‌شد و در کمتر از چند ساعت تمامی آن‌ها در محاصره قرار می‌گرفتند، این ایالات متحده است که به‌دلیل نقض حقوق بین‌الملل در کانون توجه و زیر دربین قرار گرفته است.

رضوانی « عملکرد دست‌گاه‌های امنیتی و اطلاعاتی را فقط نباید در کف خیابان دید، اگر محلات پرجمع سابییر به درگاه‌های خدماتی نظیر بانک‌ها، بمب‌بازن‌ها و فرودگاه‌های کشور خنثی نمی‌شد و در کمتر از چند ساعت تمامی آن‌ها در محاصره قرار می‌گرفتند، این ایالات متحده است که به‌دلیل نقض حقوق بین‌الملل در کانون توجه و زیر دربین قرار گرفته است.

رضوانی « عملکرد دست‌گاه‌های امنیتی و اطلاعاتی را فقط نباید در کف خیابان دید، اگر محلات پرجمع سابییر به درگاه‌های خدماتی نظیر بانک‌ها، بمب‌بازن‌ها و فرودگاه‌های کشور خنثی نمی‌شد و در کمتر از چند ساعت تمامی آن‌ها در محاصره قرار می‌گرفتند، این ایالات متحده است که به‌دلیل نقض حقوق بین‌الملل در کانون توجه و زیر دربین قرار گرفته است.

رضوانی « عملکرد دست‌گاه‌های امنیتی و اطلاعاتی را فقط نباید در کف خیابان دید، اگر محلات پرجمع سابییر به درگاه‌های خدماتی نظیر بانک‌ها، بمب‌بازن‌ها و فرودگاه‌های کشور خنثی نمی‌شد و در کمتر از چند ساعت تمامی آن‌ها در محاصره قرار می‌گرفتند، این ایالات متحده است که به‌دلیل نقض حقوق بین‌الملل در کانون توجه و زیر دربین قرار گرفته است.

رضوانی « عملکرد دست‌گاه‌های امنیتی و اطلاعاتی را فقط نباید در کف خیابان دید، اگر محلات پرجمع سابییر به درگاه‌های خدماتی نظیر بانک‌ها، بمب‌بازن‌ها و فرودگاه‌های کشور خنثی نمی‌شد و در کمتر از چند ساعت تمامی آن‌ها در محاصره قرار می‌گرفتند، این ایالات متحده است که به‌دلیل نقض حقوق بین‌الملل در کانون توجه و زیر دربین قرار گرفته است.

رضوانی « عملکرد دست‌گاه‌های امنیتی و اطلاعاتی را فقط نباید در کف خیابان دید، اگر محلات پرجمع سابییر به درگاه‌های خدماتی نظیر بانک‌ها، بمب‌بازن‌ها و فرودگاه‌های کشور خنثی نمی‌شد و در کمتر از چند ساعت تمامی آن‌ها در محاصره قرار می‌گرفتند، این ایالات متحده است که به‌دلیل نقض حقوق بین‌الملل در کانون توجه و زیر دربین قرار گرفته است.

رضوانی « عملکرد دست‌گاه‌های امنیتی و اطلاعاتی را فقط نباید در کف خیابان دید، اگر محلات پرجمع سابییر به درگاه‌های خدماتی نظیر بانک‌ها، بمب‌بازن‌ها و فرودگاه‌های کشور خنثی نمی‌شد و در کمتر از چند ساعت تمامی آن‌ها در محاصره قرار می‌گرفتند، این ایالات متحده است که به‌دلیل نقض حقوق بین‌الملل در کانون توجه و زیر دربین قرار گرفته است.